برگزاری دومین دوره مسابقه بین‌المللی قرآن کریم در لبنان

حجت‌الاسلام‌والمسلمین شیخ طلال المسمار، رئیس جمعیت قرآن کریم لبنان ضمن حضور در رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان با سیدمحمدرضا مرتضوی، رایزن فرهنگی کشورمان دیدار و درخصوص زمینه‌های تقویت همکاری‌ها و راهبرد فعالیت‌های قرآنی و پیگیری روند اجرایی آن گفت‌وگو کردند. در این دیدار موضوع دومین مسابقه بین‌المللی قرآن کریم نیز مطرح و توافق شد که مقدمات برگزاری آن با همکاری و مشارکت میان جمعیت قرآن کریم و رایزنی فرهنگی ایران در لبنان فراهم شود. اولین دوره از این مسابقه در قالب دو رشته قرائت و حفظ قرآن طی سال گذشته برگزار شد و موضوع ویژه آن «زندگی با آیه‌ها» بود. در این راستا، دو طرف توافق کردند که یک تیم کاری مشترک تشکیل شود تا مسئولیت برنامه‌ریزی، سازماندهی و نظارت بر تمامی مراحل دومین دوره مسابقه بین‌المللی قرآن کریم و تدوین برنامه‌های اجرایی را برعهده بگیرد. رئیس جمعیت قرآن کریم لبنان ضمن دعوت از رایزن فرهنگی کشورمان برای حضور در محافل قرآنی مرقد شهید سیدحسن نصرالله(رضوان‌الله‌علیه)، بر اهمیت تداوم مسیر قرآنی در جبهه مقاومت تاکید کرد و گفت: این مراسم با حضور مقامات فرهنگی به‌منظور گرامیداشت یاد و خاطره این مجاهد بزرگ برگزار می‌شود.



۱۰۵ سینما برای رفع محرومیت فرهنگی

مدیرعامل موسسه سینماشهر: ۳۳ سالن در مجتمع‌های فرهنگی و هنری ۳۰ شهر و ۱۴ استان برای نمایش فیلم تجهیز شده‌اند



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

یکی از مؤلفه‌هایی که موجب می‌شود فیلم‌دیدن به یک رفتار فرهنگی تبدیل شود، بسترسازی، تجهیز و توزیع امکانات در مناطق محروم و کم‌برخوردار از نعمت سینماست. در بسیاری از موارد این اتفاق می‌افتد که علاقه‌مندان به دیدن یک فیلم به‌دلیل نبود سالن و سینما مجبورند کیلومترها راه‌را طی کنند و وقتی این فرآیند سخت می‌شود، مردم هم ممکن است از خیر دیدن فیلم بگذرند. بنابراین، در این شرایط بیش از هر زمان دیگری به توسعه و تجهیز سالن‌های سینما نیاز داریم تا سینما رفتن به بخشی از رفتار فرهنگی مردم تبدیل شود. براساس آمار، به ازای هر هزار نفر در ایران حدود دو صندلی سینما وجود دارد، درحالی‌که این سرانه در کشورهای پیشرفته معمولا ۱۰ تا ۲۰ برابر بیشتر است. با توجه به فاصله ما با آمار جهانی، در سال‌های اخیر بسیاری از متولیان تلاش کرده‌اند با تجهیز و توسعه سینماها یا تغییر کاربری برخی سالن‌های ارشاد استان‌ها قدمی برای محرومیت‌زدایی بردارند. یکی از مؤسسه‌هایی که ایجاد عدالت فرهنگی را به‌عنوان یکی از مأموریت‌های اصلی خود تعریف کرده، سینماشهر است که در طول دوسال اخیر حبیب ایل‌بیگی مدیریت و هدایت آن را برعهده دارد. به گفته ایل‌بیگی، در همین بازه زمانی، ۸۲ سالن جدید از طریق ساخت سینماهای تازه و توسعه مجموعه‌های سینمایی موجود ایجاد شده است. همچنین ۳۳ سالن در مجتمع‌های فرهنگی و هنری ۳۰ شهر در ۱۴ استان برای نمایش فیلم آماده بهره‌برداری قرار گرفت و ۱۰۵ سینما در ۶۵ شهر از ۲۸ استان نیز از حمایت‌های تجهیزاتی برخوردار شده‌اند. همچنین در جریان جنگ اخیر، سینما شکوفه تهران آسیب دید و پیگیری برای تأمین منابع مالی مورد نیاز مرمت و بازسازی آن همچنان ادامه دارد. برای تأمین بخشی از این اعتبار نیز با بانک مسکن مکاتبه شده است. مشروح گفت‌وگوی جام‌جم را با حبیب ایل‌بیگی، مدیرعامل موسسه سینماشهر از نظر می‌گذرانید.

یکی از مشکلات دیرینه سینمای ایران را باید فقدان عدالت فرهنگی در ساخت، تخصیص و توزیع امکانات، زیرساخت‌ها و بودجه‌ها در سراسر کشور دانست. مؤسسه سینماشهر به‌عنوان متولی و بازوی پشتیبان تجهیز سینماها چه اقداماتی برای مناطق کم‌برخوردار از سالن و صندلی سینما انجام داده است؟

عدالت فرهنگی یکی از محورهای اصلی فعالیت مؤسسه سینماشهر در دو سال گذشته بوده است. در این مدت، با حمایت مؤسسه و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، ۸۲ سالن جدید از راه ساخت‌وساز و توسعه مجموعه‌های سینمایی راه‌اندازی شده‌اند. در مسیر دیگری، ۳۳ سالن موجود در مجتمع‌های فرهنگی و هنری ۳۰ شهر و ۱۴ استان برای نمایش فیلم تجهیز شده‌اند؛ اقدامی که بدون تحمیل هزینه ساخت‌وساز جدید، دسترسی مردم شهرهای بیشتری را به سینما فراهم کرده است. همچنین ۱۰۵ سینما در ۶۵ شهر و ۲۸ استان از حمایت‌های تجهیزاتی مؤسسه برخوردار شده‌اند و حدود ۱۷۰ قلم تجهیزات فنی و سینمایی در اختیار آنها قرار گرفته است. تلاش ما این بوده که منابع محدود را فقط در چند شهر بزرگ متمرکز نکنیم و شهرهای فاقد سینما، مناطق مرزی و کم‌برخوردار و سالن‌های نیازمند حمایت فوری نیز از امکانات بهره‌مند شوند.

اگر منابع سینماشهر محدود باشد و همزمان چند درخواست از نقاط مختلف کشور مطرح شود، مهم‌ترین معیار شما برای انتخاب پروژه‌های تجهیز سالن‌های سینما چیست؟

در شرایط محدودیت منابع، نخستین اولویت ما شهرهای پرجمعیتی هستند که سینما ندارند و بخش خصوصی نیز به دلایل اقتصادی تمایلی به سرمایه‌گذاری مستقل در آنها نشان نمی‌دهد. در چنین شهرهایی از ظرفیت مجتمع‌های فرهنگی و هنری موجود استفاده می‌کنیم. اولویت دیگر، شهرهای مرزی و کم‌برخوردار است. در سیستان‌وبلوچستان، در شهرهای زابل، سراوان، راسک، چابهار و زهک مجتمع‌های فرهنگی ارشاد تجهیز و از آنها به عنوان سینما استفاده شد. بندر کنگان، جزیره بوموسی، خرمشهر، آبادان، بندر ماهشهر، ماکو و شهرهای مرزی بیله‌سوار و گرمی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. در ایلام و کرمانشاه هنوز در برخی شهرها به نتیجه نهایی نرسیده‌ایم، چون لازم است بهره‌بردار واجد شرایط معرفی شود. سردشت، درگز، سرخس، خواف و راز و جرگلان نیز در برنامه پیگیری قرار دارند. در مجموع، جمعیت، فقدان سینما، منطقه مرزی یا کم‌برخوردار، آمادگی فضای موجود، معرفی بهره‌بردار توانمند و امکان استمرار فعالیت، مهم‌ترین معیارهای انتخاب پروژه هستند.

در برخی شهرها ممکن است ایجاد سینما از نظر اقتصادی توجیه نداشته باشد، اما از نظر فرهنگی وجود آن امری ضروری است. سینماشهر چطور میان «بازگشت سرمایه» و «عدالت فرهنگی» تعادل برقرار می‌کند؟

در طرح تجهیز مجتمع‌های فرهنگی و راه‌اندازی سینما در شهرهای پرجمعیت فاقد سینما و همچنین شهرهای مرزی و کم‌برخوردار، اولویت اصلی ما عدالت فرهنگی است. اگر صرفا بازگشت سرمایه ملاک باشد، راه‌اندازی سالن سینما در بسیاری از شهرها، به‌ویژه شهرهای با جمعیت کمتر از حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰هزار نفر، ممکن است توجیه اقتصادی نداشته باشد؛ اما دولت و حاکمیت وظیفه دارند امکان دسترسی مردم این مناطق به محصولات فرهنگی را فراهم کنند. به همین دلیل، مجتمع‌های فرهنگی موجود را انتخاب کرده‌ایم که می‌توان با هزینه‌ای بسیار کمتر برای نمایش فیلم تجهیزشان کرد. درعین‌حال، باید حداقل شرایط پایداری بهره‌بردار فراهم شود؛ ازجمله امکان استفاده از بوفه، کافه و خدمات جانبی. با آموزش نیروی انسانی، اصول سینمانداری و بازاریابی دیجیتال نیز تلاش می‌کنیم سالن‌ها مخاطب بیشتری جذب کنند. بنابراین، عدالت فرهنگی اولویت قطعی ماست، اما به دوام اقتصادی فعالیت سالن هم توجه داریم.

در تجربه دو سال اخیر، کدام مانع ـ نبود سرمایه‌گذار، ضعف مدیریت محلی، اقتصاد ضعیف اکران ـ بیش از همه پروژه‌های ایجاد سینما در شهرهای فاقد سالن را دچار چالش کرده است؟

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در شهرهایی که سال‌ها سینما نداشته‌اند، شکل‌نگرفتن عادت و فرهنگ سینمارفتن است. بخشی از مردم این شهرها تاکنون تجربه تماشای فیلم در سالن سینما را نداشته‌اند؛ بنابراین، افتتاح سالن به‌تنهایی کافی نیست و باید برای معرفی سینما و ایجاد تدریجی مخاطب برنامه‌ریزی شود. چالش دیگر، تأمین نیروی انسانی آموزش‌دیده برای مدیریت و بهره‌برداری سالن است. در نظام دانشگاهی ما رشته مشخص و فراگیری برای تربیت مدیر و نیروی حرفه‌ای سینمانداری وجود ندارد و فرد علاقه‌مند ممکن است هنوز دانش لازم برای مدیریت سالن، برنامه‌ریزی اکران، جذب مخاطب و بازاریابی را نداشته باشد. سینماشهر با ارائه آموزش‌های پایه، انتقال تجربه و پشتیبانی مستمر تلاش می‌کند زمینه تربیت این نیروها را فراهم آورد. همراهی مسئولان محلی و انتخاب بهره‌بردار توانمند نیز برای پایداری سالن ضروری است.

بهترین و پایدارترین الگو حتی برای شهرهای کوچک با جمعیت چند ده هزار نفری ایجاد یک مجموعه کوچک چندسالنه با اهتمام شهرداری شورای شهر و مسئولان شهرستان است



یکی از مشکلاتی که کمتر درباره آن صحبت می‌شود، فرسودگی تجهیزات سالن‌هایی است که ظاهرا فعالند، اما کیفیت نمایش پایینی دارند. آیا آماری از تعداد این سالن‌ها دارید و برای ارتقای کیفیت آنها چه برنامه‌ای در نظر گرفته‌اید؟

تعداد و نوع درخواست‌هایی که در طول سال برای تأمین یا تعویض تجهیزات به مؤسسه می‌رسد، نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از سالن‌های فعال به روزآمدسازی مستمر نیاز دارند. پرده نمایش باید پس از چند سال و متناسب با شرایط استفاده تعویض شود. پروژکتورهای سینمایی نیز بسته به نوع و مدل، به‌طور معمول حدود ۲۰هزار ساعت کارکرد مفید دارند. سیستم‌های صوتی، سرورهای پخش و دیگر تجهیزات فنی هم باید در دوره‌های مشخص ارتقا یابند یا تعویض شوند. یکی از اقدامات اصلی سینماشهر، حمایت از روزآمدسازی تجهیزات سالن‌های فعال است. در دو سال گذشته، ۱۰۵ سینما در ۶۵ شهر و ۲۸ استان مشمول این حمایت قرار گرفته‌اند و حدود ۱۷۰ قلم تجهیزات فنی و سینمایی برای آنها تأمین یا تهیه شده است. در سال‌های گذشته تعویض صندلی نیز از نیازهای مورد حمایت بود، اما به‌دلیل افزایش هزینه‌ها و محدودیت منابع، اکنون تمرکز ما بر تجهیزات اصلی نمایش، صدا، سرور و ملزومات مؤثر بر کیفیت و استمرار فعالیت سالن است.

آیا سیاست توسعه سینماهای مجتمع‌های فرهنگی شهرهای کوچک را یک راهکار را یک راه‌حل موقت می‌دانید یا معتقدید مدل مناسب سینماداری در شهرهای کوچک همین (سالن‌های کوچک و چندمنظوره) است؟

بهترین و پایدارترین الگو، حتی برای شهرهای کوچک با جمعیت چنده‌زار نفری، ایجاد یک مجموعه کوچک چندسالنه با اهتمام شهرداری، شورای شهر و مسئولان شهرستان است. اگر چنین مجموعه‌ای در کنار پارک یا فضاهای تفریحی، گردشگری و خدماتی ایجاد شود، می‌تواند پایدار بماند و به یک مرکز فرهنگی شهر تبدیل شود. اکنون در چند شهر با جمعیت کمتر از ۵۰هزار نفر، شهرداری‌ها مجموعه‌های چندسالنه‌ای در پارک‌های مرکزی ساخته‌اند که با استقبال خوبی روبه‌رو شده‌اند. بااین‌حال، امکانات دولت برای ساخت‌وساز جدید مانند گذشته نیست و ناگزیر از ظرفیت مجتمع‌های فرهنگی موجود استفاده می‌کنیم. این سالن‌ها به‌طور عمده چندمنظوره‌اند و به‌دلیل فاصله زیاد صندلی‌ها تا پرده یا شکل سالن، همیشه کیفیت سالن‌های تخصصی سینما را ندارند. در طرح شهرهای بالای صدهزار نفر فاقد سینما و همچنین شهرهای مرزی و کم‌برخوردار، پیشنهاد کرده بودیم در کنار سالن موجود، یک سالن تخصصی حدود ۵۰ نفره ایجاد شود تا هر مجتمع دست‌کم دو سالن داشته باشد. این بخش به‌دلیل شرایط اقتصادی و محدودیت منابع درحال‌حاضر متوقف مانده، اما همچنان الگوی مناسبی برای آینده است.

با توجه به تفاوت ذائقه مخاطبان مناطق مختلف جغرافیایی، آیا آمار و اطلاعات شما می‌تواند در آینده حتی بر تصمیم درباره ساخت سالن در یک شهر یا تعداد سالن‌های یک مجموعه اثر بگذارد؟

بله، یکی از مهم‌ترین کارکردهای سمفا و رسا همین است. تحلیل تعداد مخاطب، فروش، ضریب اشغال، تعداد سانس‌ها، تنوع فیلم‌ها و نسبت جمعیت به ظرفیت موجود نشان می‌دهد در کدام مناطق به سینمای جدید یا افزایش تعداد سالن نیاز داریم. این موضوع فقط به شهرهای فاقد سینما محدود نیست. برای نمونه، کرج تا چند سال قبل تنها یک سینما داشت و امروز سه مجموعه یا پردیس سینمایی در آن فعالیت می‌کنند؛ بااین‌حال، داده‌ها نشان می‌دهد همچنان ظرفیت توسعه دارد. در مازندران نیز شهرهایی مانند محمودآباد با استقبال مناسبی از سینما روبه‌رو هستند و جزیره کیش هم ظرفیت قابل‌توجهی دارد. این داده‌ها به بخش خصوصی کمک می‌کند پیش از سرمایه‌گذاری، تصویر روشن‌تری از بازار، تعداد سالن موردنیاز و رفتار مخاطبان هر منطقه داشته باشد.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
یکشنبه ۵ مهر ۱۴۰۵ شماره ۷۴۲۷

یادداشت

احمد رهدار| رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی فتوح اندیشه

خدا با ماست؛ پس پیروزیم

گاهی از من می‌پرسند: با این مشکلات اقتصادی و دشواری‌هایی که مردم را آزار می‌دهد، اکنون و پس از جنگ چه باید کرد؟

پاسخ را باید با یاد امام بزرگوارمان آغاز کنیم. امام خمینی(ره) بارها به ما هشدار دادند که همه قدرت از آن خداست. اگر حتی برای لحظه‌ای تصور کنیم تیری که شلیک می‌کنیم، کار ماست و نه به اراده خداوند، اگر فراموش کنیم که «وَما تَوفیقی إلّا بِالله»، صحنه را باخته‌ایم.

قدرت نخست ما خداست و پس از آن، ایمان ما به او. ما امام زمان(عج) را داریم، رهبرمان را داریم، مکتب تشیع را داریم، از غنای فکری برخورداریم، ایران صاحب تاریخ و تمدن را داریم و مهم‌تر از همه، مردم هوشیار و حاضر در صحنه را داریم.

من بیش از ۵۰ کشور جهان را دیده‌ام و حوزه کاری‌ام نیز به همین موضوعات مربوط است. با اطمینان می‌گویم بسیاری از کشورهای جهان اگر بخواهند تنها بخشی از مردم خود را به خیابان بیاورند، باید میلیاردها دلار هزینه کنند اما مردم ما، پیش از آن‌که نخستین مانیفست حکومتی یا فراخوان رسمی صادر شود، خودشان فهمیدند که باید در میدان حاضر باشند.

اگر از این مردم بپرسیم چرا به خیابان آمده‌اید، پاسخ‌شان روشن است: چون فهمیده‌اند که باید باشند.

در نقطه صفر جنگ، رهبرمان به شهادت رسید، فرماندهان عالی نظامی و دانشمندان کشورمان شهید شدند، زیرساخت‌ها هدف حمله قرار گرفت و داغ سنگین مدرسه شجره طیبه میناب بر دل ملت نشست. هرکدام از این حوادث به‌تنهایی می‌توانست ملتی را از پا درآورد اما همه این حوادث در کنار هم نتوانستند مردم ایران را از حرکت بازدارند.

ما در همان لحظه حساس وارد میدان شدیم و قدرت تولید کردیم. این قدرت خیابان را نباید از دست بدهیم. خیابان امروز فقط محل تجمع نیست؛ دانشگاهی است که در آن، عقلانیت سیاسی رشد می‌کند. حضور مردم و پایداری آنان، بر فضای دیپلماسی اثر می‌گذارد و به دشمن نشان می‌دهد که با جامعه‌ای زنده، هوشیار و مقاوم روبه‌روست.

به فرزندان‌مان، به‌ویژه دهه‌نودی‌ها، نگاه کنید. اگر می‌خواستیم در خانه برای آنان از مقاومت، دشمن، مردم و کشور سخن بگوییم، چه مقدار زمان و انرژی لازم بود؟ امروز آنان در میدان واقعی جامعه، معنای این مفاهیم را درک می‌کنند. مفاهیمی که تا پیش از این شاید برای‌شان انتزاعی و دانشگاهی بود، اکنون عینی و قابل فهم شده است.

جنگی که در آن زندگی می‌کنیم، فقط جنگ نظامی نیست؛ جنگی هیبریدی و ترکیبی است. در این جنگ، همان‌قدر که موشک اهمیت دارد، اقتصاد، رسانه، علم، پدافند غیرعامل، فناوری، بصیرت و حضور مردم نیز مهم است. اگر جنگ را فقط در شلیک موشک خلاصه کنیم، بخش بزرگی از واقعیت میدان را ندیده‌ایم.

باید ادراک عمومی از جنگ را گسترش دهیم. جنگ فقط در آسمان و میدان نظامی جریان ندارد؛ در اقتصاد، رسانه، امنیت، علم و اراده عمومی نیز جریان دارد. همین که خانواده‌ای در کنار مردم حاضر می‌شود و در تجمعی عمومی شرکت می‌کند، از نگاه دشمن بخشی از قدرت ملی ایران است. هر یک از شما که در خیابان حاضر شده‌اید، در این جنگ ترکیبی همچون یک موشک اثرگذارید.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

گزارش

نازا؛ وقتی جنگ به داده تبدیل می‌شود



امینه سلیمانی
پژوهشگر مطالعات فرهنگی عبری-عربی

مستند «NAZA» جنگ غزه را نه از میان آوار و میدان نبرد، بلکه از پشت صفحه‌های نمایش و اتاق‌های اطلاعات روایت می‌کند؛ جایی که داده جمع‌آوری می‌شود، افراد ارزیابی می‌شوند، هدف شکل می‌گیرد و در نهایت تصمیمی گرفته می‌شود که می‌تواند به مرگ انسان‌ها منتهی گردد. همین زاویه‌دید است که فیلم تازه یووال آبراهام و راشل شور را از بسیاری از مستندهای جنگ غزه متمایز می‌کند.

عنوان عبری فیلم، «נז"א»، مخفف «נזק אגבי» به‌معنای «خسارت جانبی» است؛ اصطلاحی نظامی برای آسیب احتمالی به غیرنظامیان در جریان حمله به یک هدف نظامی اما فیلم درست از جایی آغاز می‌شود که این مفهوم از یک اصطلاح فنی به یک عدد تبدیل می‌گردد: چند غیرنظامی ممکن است در کنار یک هدف کشته شوند و چه‌میزان از این خسارت در تصمیم عملیاتی قابل پذیرش تلقی می‌شود؟

نازا بر شهادت ۲۴ سرباز و نیروی اطلاعاتی اسرائیلی استوار است. بسیاری از آنان ناشناسند و مصاحبه‌های‌شان شبانه بر بام ساختمان‌های تل‌آویو ضبط شده است؛ شهری روشن و آرام که در پس‌زمینه روایت کسانی قرار می‌گیرد که درباره سازوکار جنگ در غزه سخن می‌گویند. تضاد میان زندگی عادی در تل‌آویو و آنچه شاهدان درباره غزه روایت می‌کنند، یکی از مهم‌ترین عناصر تصویری فیلم است.

بخش حساس‌تر مستند به نقش داده و هوش مصنوعی در تولید اهداف مربوط می‌شود. نام سامانه‌هایی مانند «Lavender» پیش از این نیز در تحقیقات رسانه‌ای عبری مطرح شده بود؛ سامانه‌ای که بنا بر شهادت منابع اطلاعاتی، حجم بزرگی از داده‌ها را تحلیل و افراد را براساس مجموعه‌ای از شاخص‌ها رتبه‌بندی می‌کرد. گزارش‌های پیشین همچنین از سامانه‌ای موسوم به «אייפה אבא؟» یا «بابا کجاست؟» سخن گفته بودند که برای تشخیص حضور افراد مورد نظر در خانه‌های‌شان به‌کار می‌رفت.

اما اهمیت نازا در این نیست که ادعا کند «ماشین به‌تنهایی تصمیم می‌گیرد چه‌کسی کشته شود». مساله پیچیده‌تر است. ارتش اسرائیل تاکید می‌کند که تصمیم نهایی درباره حمله توسط انسان اتخاذ می‌شود و سامانه‌های هوش مصنوعی جایگزین تصمیم‌گیرنده انسانی نیستند. پرسشی که فیلم پیش می‌کشد اما یک مرحله عقب‌تر است: پیش از آن‌که تصمیم نهایی به انسان برسد، چه مقدار از مسیر انتخاب، دسته‌بندی و اولویت‌بندی هدف توسط الگوریتم شکل گرفته است؟

اگر یک سامانه بتواند هزاران پرونده را با سرعت بالا بررسی و افرادی را به‌عنوان اهداف احتمالی رتبه‌بندی کند، انسان در انتهای این زنجیره تاچه‌اندازه فرصت دارد خروجی ماشین را مستقلا بازبینی نماید؟ در چنین وضعیتی، مرز میان «تصمیم‌گیری انسانی» و «تایید یک پیشنهاد الگوریتمی» باریک‌تر می‌شود. این شاید مهم‌ترین پرسش نازا درباره جنگ‌های آینده نیز باشد. مشکل فقط احتمال خطای هوش مصنوعی نیست؛ سرعت و مقیاسی است که هوش مصنوعی به تولید هدف می‌دهد. سامانه‌ای که در زمانی کوتاه قادر به پردازش هزاران پرونده است، می‌تواند سرعت جنگ را از ظرفیت نظارت انسانی، حقوقی و اخلاقی جلو بیندازد. در عین حال، فیلم از یک محدودیت جدی رنج می‌برد: بیشتر شاهدان آن ناشناسند. بنابراین مخاطب نمی‌تواند مستقلا جایگاه سازمانی، میزان دسترسی اطلاعاتی یا حدود آگاهی آنان از سیاست‌های کلان نظامی را ارزیابی کند. ارتش اسرائیل نیز در واکنش رسمی خود همین مساله را برجسته و اعتبار بخشی از شهادت‌ها و نتیجه‌گیری‌های مطرح‌شده در فیلم را رد کرده است. این ملاحظه برای ارزیابی حرفه‌ای نازا ضروری است. شهادت یک سرباز یا نیروی اطلاعاتی درباره آنچه شخصا دیده یا انجام داده با نتیجه‌گیری او درباره سیاست کلی ارتش یکسان نیست؛ همان‌طور که استفاده یک شاهد از اصطلاحاتی چون «جنایت جنگی» یا «نسل‌کشی» به خودی خود اثبات حقوقی چنین عناوینی محسوب نمی‌شود. با این حال، ناشناس‌بودن شاهدان یا تکذیب ارتش نیز پرسش‌های اصلی فیلم را از میان نمی‌برد: اهداف چگونه تولید می‌شوند؟ خسارت احتمالی به غیرنظامیان چگونه برآورد می‌شود؟ و ماشین تا کجا در شکل‌دادن به تصمیم انسانی پیش می‌رود؟ واکنش‌ها در داخل اسرائیل نیز نشان داد که نازا از محدوده سینما عبور کرده است. فیلم پس از نمایش و موفقیت در جشنواره ونیز با واکنش شدید مقام‌های سیاسی و نظامی روبه‌رو شد و ارتش اسرائیل حتی بررسی‌های حقوقی و امنیتی درباره ادعاهای مطرح‌شده و احتمال استفاده از اطلاعات حساس را در دستور کار قرار داد. در مقابل، گروهی از سینماگران اسرائیلی از سازندگان فیلم حمایت کردند و خواستار امکان نمایش و بحث آزاد درباره آن شدند.

اما فراتر از این نزاع سیاسی، اهمیت نازا در پرسشی است که باقی می‌گذارد: وقتی جنگ به شبکه‌ای از داده، الگوریتم، تحلیلگر، فرمانده و اپراتور تقسیم می‌شود، مسئولیت مرگ یک انسان دقیقا در کدام نقطه این زنجیره قرار دارد؟

فناوری ممکن است فاصله فیزیکی میان تصمیم‌گیرنده و میدان جنگ را افزایش دهد اما مسئولیت را از میان نمی‌برد. نازا در نهایت درباره همین فاصله است؛ فاصله میان انسانی که روی صفحه به مجموعه‌ای از داده‌ها تبدیل می‌شود و انسانی که باید درباره سرنوشت او تصمیم بگیرد.

شاید به همین دلیل عنوان «خسارت جانبی» برای فیلم تا این اندازه معنا دارد: اصطلاحی سرد و فنی که نازا تلاش می‌کند دوباره پشت آن، انسان را قابل مشاهده کند.